

ممنوعیت احداث صنایع در شعاع ۱۲۰کیلومتری تهران

● **شرق:** مدیرکل دفتر ارزیابی زیست محیطی سازمان حفاظت محیط‌زیست تاکید کرد: ممنوعیت احداث و استقرار صنایع در شعاع ۱۲۰کیلومتری تهران کماکان به قوت خود باقی است و مصوبه اخیر معاون اول رئیس‌جمهور شامل استثنائات است. حمید جلالوندی با رد برخی اظهارنظرها مبنی بر لغو ممنوعیت احداث صنایع در شعاع ۱۲۰کیلومتری تهران، تصریح کرد: این ممنوعیت کماکان به قوت خود باقی است. مدیرکل دفتر ارزیابی سازمان حفاظت محیط‌زیست توضیح داد: ممنوعیت احداث صنایع در شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران در دهه ۱۳۴۰ به منظور تمرکززدایی، تعادل‌بخشی به جمعیت، توزیع فعالیت‌ها و جلوگیری از بارگذاری بیش از حد در پایتخت به تصویب دولت رسید. وی افزود: در ۴۵ سال گذشته به علت برخی ضرورت‌ها، در بعضی موارد، استثنائاتی برای شعاع ۱۲۰کیلومتری تهران به تصویب دولت رسیده است که از آن جمله می‌توان به معافیت از اجرای این قانون برای شهرک‌های صنعتی استان البرز، ۴۰۰ واحد تراشکاری در تهران، صنایع غذایی، نواحی صنعتی روستایی و مراکز تولید مصالح ساختمانی در محدوده شهر تهران اشاره کرد. مدیرکل دفتر ارزیابی سازمان حفاظت محیط‌زیست ادامه داد: در همین راستا و براساس آئین‌نامه اجرایی بند (د) ماده ۱۳۲، اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم موضوع ماده ۳۱ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور که ۱۱ مهرماه ۹۴ از سوی معاون اول رئیس‌جمهور ابلاغ شد، استثنائاتی برای شعاع ۱۲۰کیلومتری اعلام شد.

جلالوندی گفت: براساس این مصوبه، شهرک‌های صنعتی استان‌های قم و سمنان و همچنین شعاع ۵۰ کیلومتر برای اصفهان و شعاع ۳۰ کیلومتر برای سایر مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۳۰۰ هزار نفر، مستثنا شدند؛ بنابراین این مصوبه به معنای لغو ممنوعیت استقرار صنایع در شعاع ۱۲۰کیلومتری تهران نیست و جزئی از استثنائات است که ابلاغ شده است و ممنوعیت احداث صنایع در شعاع ۱۲۰کیلومتری برای تهران کماکان به قوت خود باقی است.

پیشینه ممنوعیت احداث صنایع در شعاع ۱۲۰کیلومتری تهران درحقیقت مصوبه هیأت دولت وقت در ۲۰ خرداد ماه سال ۱۳۴۶ است، در آن زمان بنابر ملاحظات زیست‌محیطی و پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته، دولت وقت بر آن شد که مانع از ازدحام صنایع در گردگرد شهر تهران شود چراکه آینده این‌طور رصد می‌شد که به‌زودی تهران میان انبوهی از صنایع الایند نه مجالی برای تنفس خواهد یافت و نه زمینی برای رویش گیاهان، البته همان مصوبه با ایجاد منفذی مقرر می‌داشت تنها صنایعی مجاز به استقرار در داخل شعاع ۱۲۰ کیلومتری هستند که بتوانند نظر مساعد دولت را جلب کنند. هر چند این نکته سبب ایجاد تبعیض و رانت‌هایی می‌شد به شکلی که به گفته برخی مقامات وقت سازمان محیط‌زیست در سال ۱۳۸۳، یعنی ۱۱ سال پیش، تعداد صنایع مزاحم تهران که درون همین شعاع بودند از صد هزار واحد هم گذشته بود و تراکم واحدهای صنعتی در تهران به ۲۲۰ واحد در هکتار رسید؛ در صورتی‌که این رقم برای سایر شهرهای کشور ۲۰ واحد در هکتار است.

شهرزاد همتی - آفتاب مستقیم توی صورتش می‌تابد، مگس‌ها از اطراف هجوم می‌آورند و می‌شود صدای بال‌بال‌زدنشان را در هوا شنید. تسبیح را از دور گردنش که درمی‌آورد، می‌گوید: «نیت کن»، بعد لب‌های ماتیک‌زده‌اش را غنچه می‌کند و با کردن کج، جوری که دل بسوزاند، می‌گوید: «نمیشه میخوام برات فال بگیرم پول بدی؟» وقتی می‌بیند که تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند پول بگیرد تسبیح رنگی‌زنکی‌اش را زمین می‌اندازد و به دایره درهمی که با تسبیح درست شده، نگاه می‌کند و می‌گوید: «یه مردی پشتته، خیلی ازت محافظت می‌کنه، قراره بری سفر... اما انکار مبارنت به جای شلوغ بستری‌ات می‌کنن...» می‌پرسم: «کی؟ یه جایی مثل اینجا؟» می‌گوید: «خیلی دور نیست، شاید... تالار! زمستون، به جایی مثل اینجا. اصلا خود همین جا...».

اینجا سرای احسان است؛ مرکز نگهداری از آسیب‌دیدگان اجتماعی که کمی پایین‌تر از آسایشگاه کهریزک و در روستای قلعه‌نوجمن واقع شده. بازدید ریاست سازمان بهزیستی بهانه‌ای بود برای رسیدن به این مرکز، مرکزی که رویا، همان زن فالگیر می‌گوید که پنج سال است در آنجا بستری است. یک بسته آدامس را که گرفته به هیچ عنوان حاضر نیست تولید مصالح ساختمانی در محدوده شهر تهران اشاره کرد. مدیرکل دفتر ارزیابی سازمان حفاظت محیط‌زیست ادامه داد: در همین راستا و براساس آئین‌نامه اجرایی بند (د) ماده ۱۳۲، اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم موضوع ماده ۳۱ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور که ۱۱ مهرماه ۹۴ از سوی معاون اول رئیس‌جمهور ابلاغ شد، استثنائاتی برای شعاع ۱۲۰کیلومتری اعلام شد.

جلالوندی گفت: براساس این مصوبه، شهرک‌های صنعتی استان‌های قم و سمنان و همچنین شعاع ۵۰ کیلومتر برای اصفهان و شعاع ۳۰ کیلومتر برای سایر مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۳۰۰ هزار نفر، مستثنا شدند؛ بنابراین این مصوبه به معنای لغو ممنوعیت استقرار صنایع در شعاع ۱۲۰کیلومتری تهران نیست و جزئی از استثنائات است که ابلاغ شده است و ممنوعیت احداث صنایع در شعاع ۱۲۰کیلومتری برای تهران کماکان به قوت خود باقی است.

پیشینه ممنوعیت احداث صنایع در شعاع ۱۲۰کیلومتری تهران درحقیقت مصوبه هیأت دولت وقت در ۲۰ خرداد ماه سال ۱۳۴۶ است، در آن زمان بنابر ملاحظات زیست‌محیطی و پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته، دولت وقت بر آن شد که مانع از ازدحام صنایع در گردگرد شهر تهران شود چراکه آینده این‌طور رصد می‌شد که به‌زودی تهران میان انبوهی از صنایع الایند نه مجالی برای تنفس خواهد یافت و نه زمینی برای رویش گیاهان، البته همان مصوبه با ایجاد منفذی مقرر می‌داشت تنها صنایعی مجاز به استقرار در داخل شعاع ۱۲۰ کیلومتری هستند که بتوانند نظر مساعد دولت را جلب کنند. هر چند این نکته سبب ایجاد تبعیض و رانت‌هایی می‌شد به شکلی که به گفته برخی مقامات وقت سازمان محیط‌زیست در سال ۱۳۸۳، یعنی ۱۱ سال پیش، تعداد صنایع مزاحم تهران که درون همین شعاع بودند از صد هزار واحد هم گذشته بود و تراکم واحدهای صنعتی در تهران به ۲۲۰ واحد در هکتار رسید؛ در صورتی‌که این رقم برای سایر شهرهای کشور ۲۰ واحد در هکتار است.



عکس‌ها، سید وحید حسینی‌آقا

داد... به گفته مسئولان این مرکز هزینه سالانه سرای احسان بالغ بر ۴/۵ میلیارد تومان است که دو میلیارد آن توسط بهزیستی تأمین می‌شود... پیرزن راززار گریه می‌کند و سینه می‌کوبد، رو به بهار می‌کند و نفرینش می‌کند و می‌گوید: «به‌حق این روزای عزیز خیر نبینی»، بهیار اما آرام است و با لبخند نگاهش می‌کند و می‌گوید: «آخه رهاش خرابه، اگر بهش سیگار بدم پرستارا دعوام می‌کنن». پیرزن به پنهای صورتش اشک می‌ریزد و نفرین می‌کند. بهیار تعریف می‌کند که اینجا آدم‌های زیادی بستری‌اند که قصه‌های عجیبی دارند؛ آدم‌هایی با ثروت‌های میلیاردری که به خاطر بازی‌ها و حقه‌های خانوادگی پایشان به اینجا باز شده و هیچ راه برگشتی ندارند. بعد دست ما را می‌کشد و می‌برد پیش محبوب. محبوب، زنی جوان است که خطی عمیق روی پیشانی‌اش دارد و می‌گوید ناشی از تصادف است. نگاهش بی‌حس است و چشمانش حالت عادی ندارند، اما آرامش عجیبی دارد. محبوب با لبخند دستم را در دستش نگه می‌دارد و

می‌گوید چهار سال است که در سرای احسان زندگی می‌کند. بعد چشمانش را می‌بندد. می‌پرسم ازدواج کرده یا نه و می‌گوید ازدواج ناموفق داشته و حاصل این ازدواج دو کودک بوده که مرده‌اند. از او دلایل مرگ کودکانش را می‌پرسم. محبوب چشمانش را باز می‌کند و به سمت آسمان خیره می‌شود و می‌گوید: «کشمشون، خفه‌شون کردم، یکی شون دو ماهش بود و یکیشون چهار سالش... حال عادی که نبودم، یکی بهم گفت خفه‌شون کنم، منم خفه‌شون کردم...».

انوشیروان محسنی بندپی قول می‌دهد که در



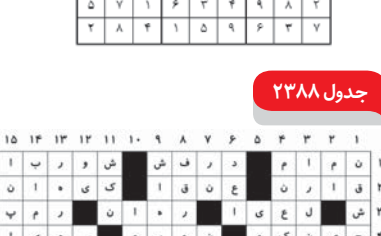
اولین فرصت آمبولانسی در اختیار سرای احسان قرار دهد. او می‌گوید: «با وجود تلاش‌های بسیار زیاد در گذشته توانسته‌ایم برای هر فرد ۴۰۰ هزار تومان یارانه نگهداری مراکز را اختصاص دهیم و الان با وجود تلاش‌های فراوان توانستیم این مبلغ را به ۵۲۰ هزار تومان برسانیم. این در حالی است که طی تحقیقاتی که در استان‌های یزد، شیراز، سیستان‌وبلوچستان و... شده است، هزینه نگهداری هر فرد در مراکز هریک از استان‌های کشور کمتر از یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار تومان نبوده و سقف آن نیز یک‌میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است». از بخش زنان که بیرون می‌روم، قول می‌گیرند



که دفعه بعدی برایشان لوازم آرایش، انگشتر و پول بیاورم. یکی از آنها هم قول دفتر نقاشی می‌گیرد. آرام آرام به سمت استراحتگاه مردانه می‌رویم. بوی آشنا و سنگین منطقه کهریزک سرای احسان را هم بی‌نصب نگذاشته، وارد استراحتگاه می‌شویم. مددجویان روی تخت‌هایشان نشست‌ه‌اند و دانه‌دانه و اختصاصی سلام می‌کنند. مددکار بخش، جعفر را نشانم می‌دهد که لباسش ادبیات آلمانی دارد و در تریش

زندگی کرده و حالا در کارهای بیماران به مددکاران کمک می‌کند. جعفر به آلمانی خوش‌ویش و تعریف می‌کند زندگی‌اش به خاطر ارث و میراث دستخوش حوادث شده و برادرانش به خاطر اینکه او را از مایملک پدری بی‌نصب بگذارند، به سرای احسان سپرده‌اند. جعفر حالا نزدیک ۱۸ سال است که در سرای احسان زندگی می‌کند...

وسط حیاط ایستاده‌اند و به کمک مددکاران و آبادکارهایشان را هوا می‌کنند. روی بادبادک‌ها که در انبار نگهداری می‌شود، اسم هر مددجو را نوشته‌اند. مریم شیخ‌محمدی، مسئول طرح‌های راهبردی



جامعه

یک روز در «سرای احسان» مرکز نگهداری آسیب دیدگان اجتماعی

محمودلی جعفری خیلی گریه می‌کند

سرای احسان، می‌گوید وضعیت روحی زنان از مردان بهتر است، اما چون فیدبک‌های بیرونی دارند و میل به برقراری ارتباط در آنها بیشتر است، به‌نظر می‌رسد حالشان بدتر از مردان است. شیخ‌محمدی می‌گوید: «بیشتر این بیماران توهم خیانت دارند و حتی یکی از بیماران کار را به جایی رساند که هیأت‌مدیره قانع شدند او بیمار نیست اما پزشکی قانونی تشخیص داد که بیمار است». شیخ‌محمدی با تأکید بر اینکه فضای نگهداری از مردان بسیار کوچک است، اضافه می‌کند: «هرکاری می‌کنیم، نمی‌توانیم نظافت آنها را کنترل کنیم. برای همین به شما می‌گویم شاید به جای وزیر و وکیل آوردن مردم عادی به اینجا برای ما بهتر باشد. آنها باید بیایند و ببینند تا به ما کمک کنند، ما نیازمند کمک ماهانه پنج‌هزار تومان از طرف مردم هستیم. به شرطی که آنها دائمی به ما کمک کنند. ما حتی یک حریم شخصی برای این بیماران نداریم که لااقل دور تخت‌هایشان حریمی برایشان اختصاص دهیم... واقعیت این است که ما خیلی محدودیت داریم...». شیخ‌محمدی می‌گوید اینجا مردان و زنانی هستند که عاشق هم شده‌اند: محبور است آنها را از هم دور کند... . شیخ‌محمدی می‌گوید: «با پولی که به ما می‌دهند فقط می‌توانیم هزینه خوردوخوراک و داروی مددجویان را تأمین کنیم. در حالی که آنها نیاز به غذای روح دارند. باید به فکر غذای روحشان بود...».

پیرمرد در یک دستش بادبادک دارد و در دست دیگریش یک تکه کاغذ. می‌گوید: «برات نامه نوشتم...» نامه را می‌گذارد توی دستانم و می‌رود. دستخط درشتی دارد و بالای کاغذ درشت نوشته: داروخانه تربیت. نامه را بلندبلند می‌خوانم: «آقامحمدولی جعفری است و توی خارج از کشور است. آقا محمودلی جعفری در سوریه خارج از کشور است. محمودلی جعفری شبیه مادرش است و اقداودادو شکل محمودلی جعفری است و ولی مرده است... محمودلی جعفری خیلی گریه می‌کند. آقا همه‌چیز را داد به تربیت. آقای محمودلی جعفری خیلی گریه می‌کند. محمودلی جعفری جارو خرید، در سوریه خیلی گریه می‌کند تهران باش.».

بعد مرجان را نشانمان می‌دهد، دختر ریزنقشی که آرایش کم‌رنگی دارد و موهایش را روشن کرده. از رنگ موهایش تعریف می‌کنیم و او می‌گوید قرار است آرایشگر سرای احسان موهایش را دوباره رنگ کند. خانم شیخ‌محمدی برایمان می‌گوید او و یکی از مددجویان مرد به‌هم دلبستگی دارند. اسم مرد را از مرجان که می‌پرسم، صدای غش‌غش خنده‌هایش حیاط سرای احسان را برمی‌دارد و می‌گوید: «سیف‌الله»، سیف‌الله با لباس فرم آبی و ژاکتی سورمه‌ای کمی دورتر ایستاده و برایمان دست تکان می‌دهد. جلو دوربین عکاس ایستاده‌اند و عکس‌های دونفره می‌گیرند و آن طرف‌تر بقیه مددجویان بادبادک‌هایشان را تحویل می‌گیرند. عباس که مرد جوانی است صدام می‌کند و می‌گوید می‌خواهد برایم شعر بخواند. رنگش پریده است و با لبخند تماشاچیم می‌کند و همان‌طور که بادبادک‌ها به هوا می‌روند شروع می‌کند به خواندن: «حذیث درد را آغاز کردم/ دلم را با غمت دمساز کردم/ نشستم تا سحر در انتظار/ به گریه بغض خود را باز کردم/ جدایی را به چشم دیدم آخر/ از آن داغی که می‌ترسیدم آخر/ ز دست نامسلمانی فتادم/ چو تسبیحی ز هم باشیم آخر...».

سودوکو سخت ۱۳۸۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:

- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۳۸۶

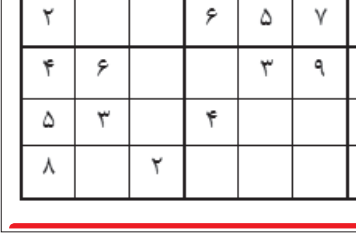
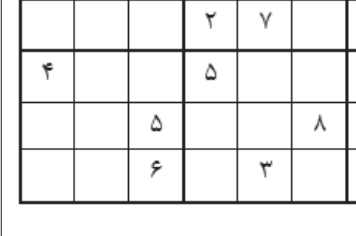
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

آینده‌پژوهی مدیریت بحران

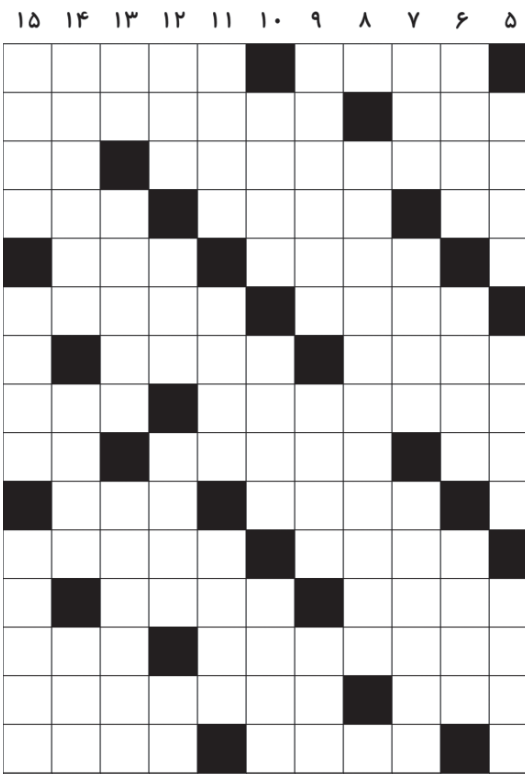
هدایت توکلی - مدرس مدیریت بحران

● آینده‌پژوهی مدیریت بحران، تلاشی نظام‌مند برای نگاه به آینده در حوزه مدیریت بحران است که هدفش شناسایی تهدیدات بالقوه طبیعی یا غیرطبیعی، پیش‌بینی نوع و روش ایجاد بحران ناشی از آنها، فناوری‌های نوظهور استفاده‌شده در پیش‌بینی بحران‌ها و مدیریت صحیح و کارآمد منابع به‌منظور مدیریت بحران‌های آینده است. درواقع، آینده‌پژوهی مدیریت بحران، یعنی آمادگی برای بحران آینده و به‌کاربردن منابع موجود به بهترین وجه ممکن و در راستای ارزش‌ها. آینده‌پژوهی می‌تواند سیاست‌های کلان مدیریت بحران را تحت تأثیر قرار دهد. این تحقیق به‌طور عمده بر تأثیرات متغیرهای آینده‌پژوهی بر مدیریت بحران استوار است؛ بنابراین به‌منظور درک بهتر این تأثیرات پس از مطالعه مبانی نظری و تحلیل مدل‌های مدیریت بحران، یک مدل مفهومی در این زمینه، به شیوه دقیق و طبقه‌بندی‌شده و با جزئیات کامل کارکردهای آینده‌پژوهی در مدیریت قبل از بحران، ارائه شده است. در انتخاب روش‌های آینده‌پژوهی باید به نوع و مأموریت سازمان، منابع مالی، انسانی و زمان موجود توجه شود. با آینده‌پژوهی مدیریت بحران می‌توان به بهینه‌سازی فعالیت‌های مقابله با بحران و به‌حداقل‌رساندن خسارات ناشی از آن نائل شد و راه‌حلی رضایت‌بخش برای برطرف‌کردن شرایط غیرعادی، به طریقی که منافع و ارزش‌های اساسی حفظ و تأمین شود دست یافت. آینده‌پژوهی عبارت است از بیان پیامدهای آتی تصمیمات فعلی، پیش‌بینی مسائل و مشکلات آینده، آغاز طراحی راه‌حل‌های بدیل تا در نهایت جامعه گزینه‌های بیشتری داشته باشد و بتواند گزینه‌های مناسب و اخلاقی را انتخاب کند. آینده‌پژوهی تلاش سیستماتیک برای بررسی درازمدت آینده علم، فناوری، محیط و جامعه به‌منظور شناسایی ایده‌های نوظهور و حوزه‌های زیربنایی تحقیقات استراتژیک است که بیشترین منافع اجتماعی و اقتصادی را دربر داشته باشد؛ بنابراین در جهان امروز آینده‌پژوهی و آینده‌نگری یک ضرورت است. پیش‌بینی می‌شود در هزاره سوم زمینه برای مطالعات آینده‌نگر و آینده‌پژوهانه افزایش پیدا کند و اندیشمندان احساس کنند یک جاذبه مغناطیسی تحولات پیرامون آنها را به سمت آینده سوق می‌دهد. آینده‌پژوهی دین هر چیز قبل از وقوع آن است. بحران‌ها نیز جز در موارد نادر، علائم هشداردهنده‌ای را قبل از وقوع از خود بروز می‌دهند. مدیران نباید به‌راحتی از کنار این علائم هشداردهنده عبور کنند. در ایجاد یک طرح توجیهی- با رویکرد آینده‌نگری ابتدا باید به افق آینده رفت و با حضور در افق آینده و دیده‌بانی حال و گذشته، مسیرهایی مشخص برای معماری توسعه به توانایی‌های علم و تکنولوژی و تأثیر و کاربرد آن در حل مسائل و مشکلات امروز، پیش‌بینی‌های نامناسب و بعضا نادرست برای مقاطع بلندمدت صورت می‌گیرد که با گذشت زمان و ظهور تحولات جدید، مشکلات عدیده‌ای را در اجرا به‌وجود می‌آورد و منجر به شکست یک طرح می‌شود.

سرای احسان، می‌گوید وضعیت روحی زنان از مردان بهتر است، اما چون فیدبک‌های بیرونی دارند و میل به برقراری ارتباط در آنها بیشتر است، به‌نظر می‌رسد حالشان بدتر از مردان است. شیخ‌محمدی می‌گوید: «بیشتر این بیماران توهم خیانت دارند و حتی یکی از بیماران کار را به جایی رساند که هیأت‌مدیره قانع شدند او بیمار نیست اما پزشکی قانونی تشخیص داد که بیمار است». شیخ‌محمدی با تأکید بر اینکه فضای نگهداری از مردان بسیار کوچک است، اضافه می‌کند: «هرکاری می‌کنیم، نمی‌توانیم نظافت آنها را کنترل کنیم. برای همین به شما می‌گویم شاید به جای وزیر و وکیل آوردن مردم عادی به اینجا برای ما بهتر باشد. آنها باید بیایند و ببینند تا به ما کمک کنند، ما نیازمند کمک ماهانه پنج‌هزار تومان از طرف مردم هستیم. به شرطی که آنها دائمی به ما کمک کنند. ما حتی یک حریم شخصی برای این بیماران نداریم که لااقل دور تخت‌هایشان حریمی برایشان اختصاص دهیم... واقعیت این است که ما خیلی محدودیت داریم...». شیخ‌محمدی می‌گوید اینجا مردان و زنانی هستند که عاشق هم شده‌اند: محبور است آنها را از هم دور کند... . شیخ‌محمدی می‌گوید: «با پولی که به ما می‌دهند فقط می‌توانیم هزینه خوردوخوراک و داروی مددجویان را تأمین کنیم. در حالی که آنها نیاز به غذای روح دارند. باید به فکر غذای روحشان بود...».



۷- ماده آرایشی ناخن- سریع- نوعی شیرینی بلوری شکل
۸- کنایه از آنکه به نهایت بیچاری یا ناامیدی رسیده است
۹- ثابت قدم- پوشاننده- فلز قرآنی ۱۰- شادمانی- داخل- پایتخت لتونی ۱۱- مخلوطی از شن و ماسه و سیمان و آب- ایمنی و آرامش- روزهدار ۱۲- سخن



جدول ۲۳۸۹ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

- موقر- محل اقامت خدایان یونان باستان- دارایی بانکی غیرقابل برداشت ۲- همسایه کلمبیا و برزیل- نتیجه‌گیری ۳- حلقه نشکستبار- شهرک گردشگری و تفریحی در جاده جالوس- جای پا ۴- آخرین حرف الفبای یونانی- خارج- سال ۵- شک‌تویدید- گناهکار- سوره وان یکاد ۶- همچنین- از صور فلکی نیمکره‌شمالی آسمان- همراه ادا ۷- کمراهی- کهنه و فرسوده- پهلوان افسانه‌ای آذری‌ها ۸- مقابل- محل اقامت زائران- نازیبا ۹- طرف مشورت- مدفن زنده‌یاد قیصر امین پور- شهری در جنوب فرانسه و در ساحل دریای مدیترانه ۱۰- همراهی‌کردن جزانه تا گورستان- گل‌بانگ نماز- دوستی ۱۱- غزال- بشارت‌دهنده- کتاب ۱۲- بخشنده- زیور و پیرایه- پارسی دیرنشین ۱۳- بله آلمانی- شاعر و دانشمند ایرانی و صاحب کتاب کشکول که آرامگاهش در صحن مسجد گوهر شاد است- ریگ نرم ۱۴- ایالتی در آمریکا- نام قدیم همدان ۱۵- توهمین- خواهش- ادعای دروغین.

عمودی:

- سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی- چپاول- شبه‌جزیره‌ای کوهستانی در مصر ۲- جزایر دوکانه خلیج‌فارس- شهر مارکوپولو- پیش‌رفنگی کوچک آب دریا در ساحل ۳- گوشت سرخ‌کرده که تخم‌مرغ روی آن بشکنند- از خواهران بروتنه- نشانه مفعول ۴- جدید- متعهد- لوکس- حفره‌هایی که زنبور عسل از موم می‌سازد ۵- تازه و جدید- زدوخورد- زندگی و حیات ۶- سیب آذری- دیوار- از گل‌های زینتی